

سفرنامه شمال

گزارشی ارزشمند از اوضاع اقتصادی شمال ایران

۱۲۷۵ هـ / ۱۸۵۸ م.

ناهید بهزادی

می‌کند که همسری از خانواده سلطنتی داشت و مالک سیصد و شصت و شش پارچه ده بود و بیست سال رسمای در آن ایالت حکمرانی داشت.

او سالیانه مبلغ ۱۵۰۰۰ تومان مالیات از برج مجموع آوری میکرد و در نتیجه حرص و آزار اوذوقه گران تر از رشت و تهران به دست مردم می‌رسید.^۱ کنسول از مبالغ هنگفتی که افراد برای خرید مناصب و مشاغل خود به دربار و حکمرانان می‌پرداختند و تأثیر آن در فقر و نابسامانی اوضاع اقتصادی مردم می‌نویسد. به طور مثال حاکم بارفروش (بابل)، حین خان که برادر وزیر مازندران محمد حین خان بود برای پرداخت مبلغ سالیانه‌ای که باید به دربار می‌فرستاد مردم را غارت می‌کرد^۲ و نایب‌الحکومه بارفروش که میرآخور شاه بود سالیانه مبلغ ۸۰۰ تومان برای مأموریتش می‌پرداخت و مبلغ بیشتری از مردم می‌گرفت.^۳ مکنیزی از نوخ اجاره ماهیگیری و اجاره ضرابخانه که درآمد مهمی برای حاکم به منظور پرداخت پیشکشی و تعارف به دربار محسوب می‌شد، گزارش‌های دقیقی از اینه میدهد و از شخصی به نام سهرباب خان نام می‌برد که امتیاز ماهیگیری از تنکابن تا گرگان را داشته و سالیانه ۲۲۵۰ تومان به حاکم گیلان می‌پرداخته و حاکم در عوض سالیانه ۳۴۰۰ تومان به علاوه ۳۰۰۰ تومان به دولت شاه پیشکش می‌داد و احتمالاً ۴۰۰۰ تومان از فروش خاوبار و غیره سود می‌برده است.^۴ و یا حاجی ملامحمد باقر نامی که ضرابخانه استرآباد را در اختیار داشت و سالیانه ۴۰۰ تومان بابت اجاره ضرابخانه به دولت می‌داد و ۵٪ از درآمد ضرابخانه بهره می‌برد.^۵ مکنیزی شاهزادگان قاجار را دسته‌بندی کرده و اکثربت آنها را «شراخوار و بیمار» می‌داند و می‌گوید فقط تعداد کمی از آنها علاوه‌مند به پیشرفت‌های جدید بودند و اروپائیان را نجس نمی‌دانستند.^۶

یکی از قسمت‌های مهم این سفرنامه اطلاعات مربوط به وضع قشون و ترکیب آن در این مناطق و نیز تعداد قشونی که حکمرانان، خوانین و زمینداران باید در موقع ضروری و برای انجام «وظیفه فتوالی» خود به مرکز اعزام می‌کردند، می‌باشد. او به وضع اسف بار سربازان و افسران اشاره می‌کند و اینکه بسیاری از آنها کشاورزی می‌کردند و یا در بازار تجارت مختصه داشتند و برای گرفتن امتیاز مبلغی به سرهنگ خود می‌پرداختند.^۷ مکنیزی از پرداخت حقوق و مواجب قشون توسط خوانین محلى به شدت انتقاد می‌کند.

او ترکیب قشون غیر منظم را در استرآباد و مازندران در ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۵۷ م. بیان می‌کند که به خوبی گویای وضعیت و ترکیب ایلات در این مناطق می‌باشد. او می‌نویسد در قشون استرآباد ایلات گوگلان، کتول، مقصودلو، بلوج و حاجیلو و در قشون مازندران ایلات اصانلو، گراییل، بلوج، مران لو، جان بکلو، ایمانلو، افغان، قلیچلو، خواجه‌وند و عبدالملکی عضویت داشتند.^۸

همان طور که قبل اگفته شد هدف اصلی مکنیزی در این سفر تهیه گزارش از وضعیت روس‌ها در مناطق شمالی و امکان فعالیت اقتصادی بریتانیا در این نواحی

است که در اصل گزارشی رسمی از سوی یک مقام سیاسی می‌باشد که تهیه کننده سعی نموده، اطلاعات دقیق و درستی برای دولت خود گردآورده. مکنیزی اطلاعات خود را به طور عمده از تجارت، به ویژه تجارت ترک به دست می‌آورد و چون نسبت به اطلاعاتی که از روس‌ها و ایرانی‌ها می‌گرفت سخت بی‌اعتماد بود، هر گزارش را به تأیید حداقل دوازده نفر می‌رساند، انگاه به درج آن اقدام می‌نمود. از این رو «سفرنامه شمال» حائز اطلاعات ارزشمندی در مورد وضعیت اقتصادی مناطق شمالی ایران به طور اخص و اوضاع عمومی کشور به طور اعم در نیمه دوم قرن نوزدهم می‌باشد.

گزارش مکنیزی به طور عمده به سه دسته موضوع توجه دارد: اول مطالبی که جزوی از مسائل عمومی کشور به شمار می‌آمد. مانند فساد و بی‌کفایتی حکام، وضعیت شاهزادگان قاجار، نظام مدیریت ایالتی قاجار، فروش مناصب و مشاغل و وضع قشون. دوم مطالبی که در مورد وضعیت روس‌ها در منطقه و روابط آنها با ترکمن‌ها می‌شد و سوم مطالبی که به طور خاص مربوط به سه ایالت مازندران، گیلان و استرآباد بود. مانند ترکیب جمعیت، اوضاع اقتصادی، مقدار مالیات، پیشکشی و تعارف، عایدات گمرک، صادرات و واردات شهرها، حجم معاملات تجاری بازارها، مقدار محصول برجع و نیشکر، میزان تولید ایریشم، قیمت آذوقه، تعداد خانه‌ها، حمامها، کاروانسراها، محله‌ها و مسجد‌هادر هر شهر، شکل خانه‌ها و مصالح ساختمانی آنها، اینیه تاریخی، خصوصیات اخلاقی مردم گیلان و مازندران، شکل لباس و نوع غذا در این منطقه.

مکنیزی به درستی وضع اسف انگیز گیلان را که از جمله ثروتمندترین ولایات ایران بود، ناشی از سوء مدیریت حکام قاجار می‌داند.^۹ او از بی‌لیاقتی و حرص و آزار حکمرانان ایالتی می‌نویسد و به حاکم لاهیجان اشاره استرآباد انجام داد که «سفرنامه شمال» حاصل آن بود.

■ چارلز فرانسیس مکنیزی

■ سفرنامه شمال

■ ترجمه مقصوده اتحادیه

■ تهران، نشر گستره، ۲۱۸، ۱۲۵۹ صفحه

بریتانیا طبق عهدنامه پاریس در ۱۲۷۳ ق. / ۱۸۵۷ م. که به درگیری این کشور با ایران بر سر مسئله هرات خاتمه بخشد، اجازه تأسیس کنسولگری در شهرهای مهم ایران را به دست آورد. این کشور یکی از کنسولگری‌های خود را در رشت مستقر نمود تا ناظر و مراقب فعالیت روس‌ها در دریای خزر باشد. اولین کنسول بریتانیا در گیلان چارلز فرانسیس مکنیزی نام داشت که در ۱۲۶۱ ق. / ۱۸۴۵ م. با سمت پرچمدار وارد کمپانی هند شرقی شد. او پس از نه سال اقامت در هند در ۱۲۷۵ ق. / ۱۸۵۸ م. اولین کنسول بریتانیا در گیلان شد و دو سال بعد در ۱۲۷۷ ق. / ۱۸۵۰ م. از مقام خود برکنار گردید. مکنیزی در همان ابتدا از سوی دولت متبع خود مأمور تهیه گزارشی از منطقه و امکانات اقتصادی آن، میزان فعالیت روس‌ها و زمینه‌های توسعه فعالیت اقتصادی بریتانیا شد. به این منظور او سفری از رشت به استرآباد انجام داد که «سفرنامه شمال» حاصل آن بود.

کرده وهم صدا با برخی از دولت‌مردان بریتانیایی، فعال کردن سیاست بریتانیا در امور ایران را توصیه می‌نماید. باید در نظر داشت که منافع سیاسی بریتانیا در ایران حتی در اوج خود نیز به طور عمدۀ از لحاظ حفظ هندوستان مورد توجه بود و در تمامی قرن نوزدهم همان ماهیت را حفظ کرد. مکنزنی یا تأکید بر برتری نژادی اروپاییان بر این باره بود که بزای امتی هند باید ایران و افغانستان آزاد و قدرتمند باشند تا بتوانند از منافع خود در مقابل روسها دفاع کنند.

«سفرنامه شمال» از روی نسخه خطی موجود در
بایگانی وزارت خانه بریتانیا ترجمه شده و البتہ قبل از
برگردان به فارسی مطالب آن توسط دایینو و چارلز
عیسوی مورد استفاده قرار گرفته است.

کتاب ترجمه نسبت مطلوبی دارد، اما عدم توضیحات کافی از سوی مترجم در پاره‌ای از موارد، به علاوه نداشتن فهرست اعلام تا حدودی نشان از شتابزندگی در ترجمه کتاب دارد. به طور مثال مکنزنی در برخی از موارد که اشاره مختصراً به تاریخ ایران داشته، دچار اشتباه گردیده است و مترجم که خود یک مورخ است ب تصحیح این اشتباهات عنایت چندانی نداشته است. او می‌نویسد: «همه‌ترین اشتباهی که مرتكب شدند در ۱۸۱۳م. بود که حق تغهداری کشش جنگی در روز دریایی خزر را از دست دادند»^{۱۷} که اشاره به قرارداد گلستان است، حال آنکه حق کشیرانی در دریایی خزر طی قرارداد ترکمانچای در ۱۲۴۳ق. ۱۸۲۸م. از ایران سلب گردید. مترجم در پیشگفتار، کتاب را با «سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان» نوشته میرزا ابوالعیم نامی که در خدمت مکنزنی بوده، مقایسه میکند و بسیاری از آمارها و ارقام را در هر دو کتاب یکسان می‌یابد. از این رو «سفرنامه شمال» را باید صرف نظر از دیدگاه‌های بدینانه مؤلف آن نسبت به آسیائی‌ها و ایرانی‌ها، کتابی قابل توجه در خصوص اوضاع اقتصادی مازندران، گیلان، و استرآباد به شمار آورد.

دانلود

- ۱- چارلز فرانسیس مکنزی، سفرنامه شمال، ترجمه منصوره توحیدی، تهران: نشر گستره، ۱۳۵۹، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۲۷.

۳- همان، ص ۸۲.

۴- همان، ص ۱۰۱.

۵- همان، ص ۸۰.

۶- همان، ص ۱۸۷.

۷- همان، ص ۱۲۸.

۸- همان، ص ۱۸۶.

۹- همان، صص ۱۰۷ و ۱۱۱.

۱۰- همان، ص ۷۵.

۱۱- همان، صص ۸۶-۸۷.

۱۲- همان، ص ۱۴۲.

۱۳- همان، ص ۱۹۴.

۱۴- همان، ص ۹۳.



کنسول به مراکز توزیع و فروش کالاهای روسی در مشهد سر و بار فروش توجه خاصی دارد؛ او می‌نویسد در مشهدسر در حالی که عوارض از ۸۰۰۰ تومان به ۱۳۰۰۰ تومان رسیده، روسها فقط ۵٪ عوارض می‌پردازنند.^{۱۴} با فروش بندر کالاهای روسی بود که کالاهای صادراتی این کشور مانند گوگرد، شال کشمیر، پارچه نخی و اسیاب خانه وارد آنجا می‌شد و به خراسان، تهران، یزد و کرمان صادر می‌گردید. روسها همچنین در زمینه تهیه خاکوار، تولید ابتریشم و تصوفیه نیشکر قعالیت داشتند.

مکنتری گزارشی از آتش سوزی در بندگز ارائه میدهد که در حدود یکصد و پنجاه هزار تومان کالاهاي اتباع روسی در آتش ازین می‌رود و روستها آن را به بدخواهی ایرانی‌ها نسبت می‌دهند.^{۱۵} او به دولت بریتانیا پیشنهاد می‌کند برای رونق بخشیدن به تجارت خود در این منطقه، تجارت از راه پار فروش را مطالعه نمایند. او این راه را نسبت به راه طرابیزان که در معرض حمله اکراد بود و راه بندر عباس - یزد که پرخطر بود، با ارزش تر می‌داند. چون کالاهای بریتانیا ارزان تر به دست ایرانی‌ها می‌رسید و امکان رقابت با کالاهای نامغوف، رس، فراهم می‌شد.^{۱۶}

کنسول از تحت الحمایگی که به نظر او بسیار جساس است و باید با اختیاط با آن مواجه شد، من نویسد، به باور او نالمنی و بی عدالتی در ایران رشد سیاست تحت الحمایگی را که به نوبه خود باعث بسط قدرت بریتانیا می شد، افکان پذیر می نمود. او صورتی از کسانی را که تحت الحمایه روسها بودند ارائه می دهد که به طور عمدۀ تاجر ایرانشم بودند.

مکنی صفحاتی از گزارش خود را به وضعیت اقلیت‌های مذهبی. مانند یهودی‌ها و زرتشتی‌ها اختصاص داده و نیز در مورد یابی‌ها گزارشاتی نوشته است. او نجده حکومت انگلیس در هندوستان را ارزیابی

بود از این رو او به دقت به تشریح اوضاع اقتصادی، موقعیت چهارگانی، وضعیت رودخانه‌ها، کوهها و راهها پرداخته است. وی از لاهیجان، لنگرود، چالوس، تنکابن، بار فروش (بابل)، مشهدسر (بابلسر)، اشرف، گز، استرآباد و سایر مناطق دیدن کرده، آمار دقیقی از زندگی اقتصادی و اجتماعی این مناطق ارائه داده است. مکنیزی از برخی سیاست‌های اقتصادی حکمرانان قاجاری در منطقه از جمله قانون منع ورود برنج به گیلان و عملکرد کارخانه دولتی نیشکر در بارفروش به شدت انتقاد می‌کند. او این کارخانه را عامل کاهش کشت نیشکر و افزایش قیمت شکر تا پنچ برابر می‌داند، چرا که دهقانان جیبور به فروش محصول خود به دولت بودند.^{۱۰} کنسول قانون منع ورود برنج به گیلان را نیز که به منظور چلوگیری از فروش آن به روسیه وضع شده بود، برای این ایالت زیان بار می‌داند، چون این قانون، ایالت مذکور را دچار قحطی می‌کرد و کشاورزان را به جای تولید ابر ششم به کشت برنج می‌کشاند.^{۱۱}

اطلاعات مربوط به چگونگی و میزان فعالیت روس‌ها و روابط آنها با ترکمن‌ها از قابل توجه ترین قسمت‌های این سفرنامه می‌باشد. ترکمن‌ها که از دیرباز مرزهای شمال شرقی ایران را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند، در روزگار قاجار با استفاده از بسی کفایتی پادشاهان این سلسله بیش از پیش مردم را غارت کردند به برگی می‌فرخوختند؛ بعد از عهدنامه ترکمانچای که ایران از داشتن نیروی دریایی در بحر خزر محروم شد، د مقابل حملات ترکمن‌هایی که در ساحل شرقی دریای مزبور سکونت داشتند، ناتوان بود.

روسیه تفاضای چند کشته جنگی کرد. در ۱۲۵۶ ق. م. نوست ایران ازین رو در ۱۲۵۱ ق. م. تهدید نموده و هنر ایران را آغاز کرد. با تجدید حملات ترکمن‌ها روسها چزیر آشوراده واقع در شرق دریای خزر را تصرف کردند و بیانه مبارزه با آنها، در آنجا پایگاه تأسیس نمودند. بریتانیا در مقابل حضور روسها در آشوراده و اکنشی نشار نداد و تنها بعد از تصرف خیوه در ۱۲۹۰ ق. م. توسط روسها بود که انگلیسی‌ها به حضور آنها در مناطق ترکمان نشین اعتراض کردند، چرا که آنها می‌توانستند از آنجا استقلال ایران و افغانستان را تهدید نموده و هنر ایران را خطر داشم، قرار دهند.

مکنی روابط روسها و ترکمن‌ها را تشریف می‌نماید و بیان می‌کند که ترکمن‌ها از فرمانده روس
آشوراده اجازه تجارت می‌گیرند و همراه با بار تجاری چند نفر ایرانی را هم بنزای فروش در بازارها
برده‌فروشی آسیای مرکزی دستگیر می‌کنند و مأموران ایرانی حق ندارند از آنها باز خواست نمایند.^{۱۲}
همچنین تأثیر حملات ترکمن‌ها را در فقر و فلاک
مناطق شرقی مازندران که بیشتر در معرض تهاجم
بودند، بررسی می‌کند. مکنی به دولت متوجه خ
پیشنهاد می‌کند که بنزای تهیه گزارش به مناطق
ترکمن نشین برود، با این شرط که دولت بربانیان مقدار
اسلحة ارزان و پول در اختیار او بگذارد تا او بتواند آنها
بین ترکمن‌ها تقسیم نموده، نظر آنها را جلب کند.^{۱۳}